

آقای کرزی! آیا صدای ملت را میشنوید؟؟؟

پژوهش و تحقیق از (صبح)

محترم رئیس جمهور! چرا انگشت ملت بطرف تو نشانه گرفته میشود؟، شما باید درد دل، حرفهای ناگفته، غم و اندوه بی ملت، مصیبت و مشقت مردم ستمدیده، تاراج و وحشیگری های زورمندان و جنگ سالاران، چور و چپاول ملی، فساد و قانون گریزی، ستمکاری و بی بند و باری زورگویان، قتل و کشتار جنگ افروزان و ناقضین حقوق بشر رامورد بازپرس و بازخواست قرار بدهید. تا زمانیکه از صمیم قلب و بدون تظاهر و ریا، به این جنایت رسیده گی ننماید و ملت شمارا رها نخواهد کرد و از قضاوت فردای تاریخ نیز در امان نخواهی بود. اکنون صلاحیت با شماست که چه میخواهید انجام بدهید.

ارزش چوکی و قدرت

روزی هارون گفت: ای بهلول مرا پندی ده. بهلول گفت: اگر در بیابانی هیچ آبی نباشد تشنگی بر تو غلبه کند و می خواهی به هلاکت بررسی چه می دهی تا تو را جرعه ای آب دهند که خود را سیراب کنی؟ گفت: صد دینار طلا. بهلول گفت اگر صاحب آن به پول رضایت ندهد چه می دهی؟ گفت: نصف پادشاهی خود را می دهم. بهلول گفت: پس از آنکه آشامیدی، اگر به مرض حیس الیوم مبتلا گردی و نتوانی آن را رفع کنی، باز چه می دهی تا کسی آن مریضی را از بین ببرد؟

هارون گفت: نصف دیگر پادشاهی خود را می دهم. بهلول گفت: پس مغرور به این پادشاهی نباش که قیمت آن یک جرعه آب بیش نیست. آیا سزاوار نیست که با خلق خدای عزوجل نیکویی کنی؟

چه کسانی مایل مصالحه و کیها خواهان معامله با "طالبان" اند؟؟؟



بسوزد دست بی رحم مقدر

نموده سرد وساکت و مکدر

نمیدا نم گلهای باغ ما را

کیها تا کجا ها کرده پرپر.

"طالبان" چه میکنند؟ حملات انتحاری، آدم ربایی، قتل و کشتار، دست و پا بردن، تخریب و به آتش کشیدن موسسات عام المنفع از قبیل - ماین پاکی، ادارات بازسازی و آبادی، مکاتب و ادارات تعلیمی و تحصیلی، خونریزی و وحشیگری، وطن‌روشی، تخریب و ویرانی میراث‌های فرهنگی، ادبی و هنری، و این همه را بخاطر رضایت اجنبی‌های منطقوی و دشمنان مردم افغانستان انجام میدهند.

"طالبان" چه کسانی اند؟: به ظاهر ملا و طالب - عمامه به سر و سرمه به چشم، با سر و وضع نفرت انگیز و کثیف و طالب‌های مدارس مذهبی و تروریستی پاکستان، آدم‌های کورن و بی سواد و جاهلان و جباران قرن. "طالبان" ترکیبی است از ناسیونالیست‌ها، اسلام‌گراها و راهزنان و قطاع‌الطریقان و بی رحم‌ترین انسان‌های روی زمین. تحت رهبری فرماندهان کوردل و بی منطق در رقابت با یکدیگر و با تفکر کج اندیشانه و عملکردهای کور کورانه هستند. ولی همه آنها از یک منبع هدایت و رهبری میشوند و آنها (آی. اس آی).

بعد از حمله یازده سپتامبر هدف آمریکا و متحدانش فقط حذف "طالبان" و "القاعده" بود که راهی برای مذاکره با هیچیک از آن‌ها باقی نمی‌گذاشت. در سال دوهزار و سه میلادی بیشتر آژانس‌های اطلاعاتی غربی به وضوح دریافتند که بدون اطلاعات وسیعی که در سازمان امنیت و اطلاعات پاکستان جمع شده نمیتوانند در افغانستان عملیات انجام دهند. بین دوهزار و سه و دوهزار و پنج میلادی سازمان‌های اطلاعاتی غرب از نزدیک با (آی اس آی) همکاری کردند و تعداد زیادی از عوامل "القاعده" را شناسایی نمودند، اما این امر را که عناصری از (آی اس آی) مخفیانه به "طالبان" کمک میکند زیر چشمی رد کردند. توافق اخیر مشرف بسیاری از غربی‌ها را از لاک خود بیرون آورد. غرب یا باید دیالوگ با هواداران ملا عمر را بپذیرد یا این رئیسک را قبول کند که در نزاع‌های آتی با آن‌ها در جنوب افغانستان تلفات بیشتری بدهد.

واشنگتن پست مینویسد:

دراثر مصئونیتی که اسامه بن لادن در پاکستان بدست آورد، کست ویدیو پیرا نشر کرد و در آن تهدید نمود که حملات بیشتری در داخل ایالات متحده انجام خواهد داد. روزنامه مینویسد: حکومت رئیس جمهور بوش هنوز هم شش صد میلیون دالر سالانه به پاکستان کمک‌های نظامی و اقتصادی میدهد و هنوز هم با مشرف

به حیث متحد رفتار میکند. روابط دو کشور همسایه افغانستان و پاکستان که مرزهای طولانی با هم دارند، در پنجاه و هشت سالی که از عمر کشور پاکستان می گذرد، همواره با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده است. مساله مورد مناقشه خط مرزی موسوم به " دیورند "، فعالیت گروههای مسلح مجاهدین که علیه حکومتهای طرفدار شوروی سابق در افغانستان می جنگیدند، حمایت دولت پاکستان از گروه "طالبان" و نیز آنچه مقامات در سالهای اخیر، فعالیت گروههای مخالف دولت این کشور در مناطق قبایلی پاکستان می خواندند، از مسایلی است که در دوره های مختلف، باعث تیرگی روابط دو کشور شده است. از بدو تاسیس کشور پاکستان در سال نوزده چهل و هفت میلادی تا زمان لشکرکشی شوروی به افغانستان در سال نوزده هفتادونو، مسایل مرزی بر روابط این دو کشور، سایه افکنده بود و پس از آن، تا زمان سقوط حکومت داکتر نجیب الله در سال نوزده نودودو میلادی، علاوه بر این مساله، حمایت پاکستان از گروههای مسلح مجاهدین که علیه دولت کابل می جنگیدند نیز بر تنشهای موجود میان دو کشور افزود. مرز مشترک پاکستان و افغانستان که به "خط دیورند" مشهور است در زمان سلطه بریتانیا بر شبه قاره هند در سال ۱۸۹۳ بین هند و افغانستان کشیده شد و مناطقی از افغانستان آن زمان به هند بریتانیایی تعلق گرفت. پس از تجزیه شبه قاره هند و تشکیل کشور پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی، این مناطق که ساکنان آن پشتون و بلوچ هستند، جز قلمرو پاکستان شد.

حکومت‌های مختلف افغانستان، مالکیت پاکستان بر این مناطق را به رسمیت نشناخته و به صورت رسمی یا غیررسمی حاکمیت ملی پاکستان در مناطقی را که افغانها آن را پشتونستان می نامند، تایید نکرده اند. اما پاکستان همواره خط دیورند را یک موضوع تمام شده دانسته و آن را خط مرزی مشترک بین دو کشور شمرده است. سلیک هر سین می نو یسد: پاکستان در ارتباط با پشتونها همیشه از سیاست انگلیسی " تفرقه بینداز و حکومت کن" استفاده می کرده است. پاکستان در دوران جهاد قسمت اعظم کمکهای خود را به احزاب بنیاد گرا، خصوصاً حزب اسلامی که وجهه ای پشتون داشت اختصاص داده بود، زیرا قصد داشت از این طریق اختلافات بین گروههای قومی پشتون را تشدید نماید. به عقیده او همچنین پاکستان اساساً مخالف نظام قبیله ای است که موجبات تسلط دوصد ساله پشتونها را در افغانستان فراهم کرده بود و آن را با مفهوم دولت اسلامی مبتنی بر اصل مرکزیت مخالف می دانند، و نمی توانند با سرکردگان پشتونها روابط خوبی داشته و با آنها کنار بیایند از قدرت یافتن آنها در افغانستان که موجب تضعیف پشتونها می گردد، حمایت می کرد. خط دیورند که پاکستان و افغانستان را از هم جدا میسازد، امروز یکی از موضوعات حساس در کشور بحساب میآید. این موضوع زمانی به یک بحث داغ مبدل گردید که پاکستان پیشنهاد ایجاد دیوار را میان هر دو کشور مطرح ساخت. پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان

چندی قبل این موضوع را به عوض مقامات افغانی با خانم کوندالیزا رایئس وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در میان گذاشت که باعث خشم و انزجار افغانها گردید. علامت گذاری خط دیورند خیلی ضعیف و دارای طول دوهزار و ششصد کیلومتر میباشد که در سال هجده نود و سه میلادی توسط وزیر انگلستان بنام سر هنری مارتین دیورند، بحیث خط فاصل میان هند بریتانیوی و افغانستان تعیین گردید. زمانیکه پاکستان در سال نوزده چهل و هفت تشکیل شد، این خط به آنکشور بمیراث ماند. افغانها ادعاً مینمایند که این خط بالای امیر عبدالرحمن خان تحمیل گردیده است و آنها هرگز آنرا به رسمیت نشناخته اند. حکومت افغانی در سال نوزده هشتاد و چهار میلادی تلاش ورزید تا این خط را بطور یک جانبه منسوخ سازد، اما این خط هنوز هم بسطح بین المللی بحیث سرحد میان دو کشور شناخته میشود.

در سال های اخیر همواره دولت پاکستان در معرض اتهام حمایت از گروه "طالبان" بوده است. مقامات افغانی و آمریکایی بر این باورند که گروه "طالبان" و حنی هسته هایی از "القاعده" در داخل پاکستان آموزش می بینند و تجهیز می شوند. اما دولت پاکستان با رد هر گونه حمایت اسلام آباد از گروه "طالبان"، بر مبارزه با گروه های تروریستی از جمله گروه "طالبان" تاکید دارد. به اعتقاد ناظران سیاسی، نگاه ابزاری دولت مشرف به گروه "طالبان" برای گسترش نفوذ در افغانستان باعث تشدید بی ثباتی در منطقه خواهد شد. اظهارات اخیر والی ایالت سرحد نشان دهنده دیدگاه مقامات پاکستانی درباره "طالبان" است. پاکستان عامل بی ثباتی در افغانستان به شمار می رود. بین دو کشور از گذشته تنش های پیوسته ای بر سر خط مرزی دیورند و سالهای اخیر به دلیل حمایت گسترده پاکستان از "طالبان" و "القاعده" وجود داشته است. اختلافات مرزی از یکسو و ناکامیهای پاکستان در افغانستان در پی سقوط "طالبان" از سوی دیگر سبب شده که پاکستان همه توان و تلاش خود را برای ایجاد بحران در افغانستان و بازگرداندن "طالبان" بکار گیرد. این تلاشها در آینده هم ادامه خواهد یافت و دولت افغانستان را با مشکلات مختلفی مواجه می سازد.

از جانب دیگر در داخل کشور اگر دولت های نیدخل در قضایا بی الا یشانه میخوانند افغانستان را کمک نمایند، اولتر از همه دولت را متوجه مصلحت گرای های بی چون و چرا آن سازد. دولتمردان ما را وادار سازند تا کارها را به اهل آن بسپارند. کمک نمایند تا در افغانستان دولتی بوجود آید که قدر رأی مردم را بداند. با حمایت مردم میتوان تروریزم و "القاعده" را نابود ساخت و پاکستان را سرجایش نشاند. نه با اشخاص و افرادی که بیشتر از یک دهه غلام گوش به فرمان پاکستان بوده اند. رفتار خشونت آمیز نیروهای آمریکایی با مردم، با واکنش شدید مردم و نمایندگان مجلس شورای ملی مواجه شده است. نمایندگان مجلس معتقدند رفتار نادرست نیروهای آمریکایی باعث تشدید خشونت و گسترش ناامنی در افغانستان شده است.

این در حالی است که برخی منابع خبری از تحرکات جدید نیروهای "طالبان" در چهار ولایت هلمند، ارزگان، قندهار و زابل در جنوب افغانستان خبر می دهند.

به گفته ی این منابع "طالبان" کنترل بعضی مناطق را به دست دارند. با گذشت بیش از پنج سال از حضور نیروهای آمریکا در افغانستان، "طالبان" همچنان فعال است. آمریکاییان که با شعار مبارزه با تروریسم وارد، افغانستان شدند، در مقابله با نیروهای "طالبان" ناکام مانده اند. گسترش ناامنی ها و تشدید فعالیت "طالبان" نشان می دهد خارجی ها و بخصوص آمریکا تمایلی برای برقراری ثبات و امنیت در افغانستان ندارند. حضور پر رنگ نیروهای "طالبان" در مناطق جنوبی، باعث نگرانی گسترده مردم این کشور شده است. اکنون این سوال پیش می آید که چرا نیروهای ائتلاف در مقابله با "طالبان"، موفق نبوده اند؟ واقعیت این است که آمریکاییان وجود نیروهای "طالبان" را برای پیشبرد اهداف خود در افغانستان، ضروری می بینند.

از زمانی که آمریکا به افغانستان لشکر کشید هیچ چیز پیش نرفته است و مردم از جنگ و محرومیت رنج می برند. هرج و مرج همیشگی شده، قاچاق مواد مخدر از سر گرفته شده است (نود درصد مصرف جهانی تریاک را شامل می شود) و سران قبایل، جنگ سالاران و اسلامگرایان بر دیگر مناطق کشور فرمان می رانند. پنج سال پس از سقوط آنها، سران "طالبان" به افراد سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) فشار می آورند و خسارت های بیش از پیش مهمتری را به آنان وارد می کنند، تا حدی که در سپتامبر آنان را مجبور به درخواست نیروی کمکی کردند. طبق گفته رسانه ها، شصت درصد کشور فاقد نیروی برق است و هشتاد درصد مردم به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. خلاء ایجاد شده در اثر فقدان نیروی پولیس را انواع نیروهای مخالف دولت پر کرده اند: اسلامگرایان در جنوب، جنگ سالاران سالهای ۱۹۸۰ در غرب، قاچاقچیان مواد مخدر در شمال. در این دوره، نبردها علیه نیروهای همدست "طالبان"، باعث توقف برنامه های جدید برای بازسازی و کاهش دسترسی به دست اوردها شده است.

و همچنان اعلان صلح و مذاکره و شایعه سازش روحیه مردم را ضعیف و اعتماد پیروزی دولت در برابر "طالبان" را ضریب صفر نموده است، حال اکثریت مردم به این عقیده اند که دولت و متحدین غربی اش درصدد سازش و کنار آمدن با "طالبان" اند، لذا مردم تلاش دارند از آدرس قوم، سمت و نهادهای مستقل قبل از دولت به سازش دست بزنند.

غرب عملاً در پی بزرگسازي "طالبان" است، هم در میدان نظامی وهم در جایگاه اجتماعی و هم در عرصه سیاسی و از چندی بدین سو مسئولین بلند پایه رسانه های غربی از دیالوگ مذاکره و پذیرش "طالبان" در نظام سیاسی کشور صحبت می کنند. هدف این بزرگسازي چیست؟ امریکا و انگلیس به

مشوره پاکستان از کارائی نظام فعلی مایوس شده اند لذا تلاش دارند تا فرا رسیدن دوربعدی انتخابات ریاست جمهوری تاریخ را دوباره تکرار کنند.

چنانچه برای اولین بارشایعه مذاکره با "طالبان" با دولت از طریق رسانه های امریکایی در بیرون درز کرد و واشنگتن پست يك نشریه معتبر امریکایی از زبان معاون وزیر خارجه امریکا نوشت که "طالبان" می خواهند بعد ازین بحیث يك هسته سیاسی قوی در نظام آینده افغانستان شریک شوند. بدیهی است که امریکا می خواهد این درامه را دوباره تجربه کند.

پروسه صلح يك جهت مهم قضیه تفکرات "طالبان" را جهت حفظ منافع شان در افغانستان قابل قبول دانسته است. این تغییرسیاست در ظاهر شکست متحدین را در مبارزه شان علیه تروریسم به اثبات می رساند.

نیکولاس لنت سخنگوی ناتو در افغانستان گفت: اتکای صرف به نیروی نظامی منجر به بازگرداندن ثبات پایدار نخواهد شد. این اظهارات نشان می دهد که پیمان اتلانتیک شمالی يك قدرت شکست پذیراست، حتی کتله کوچکی از ترویست ها با داشتن حمایت نظامی و مالی پاکستان و برخی کشورهای خلیج می تواند ایشان را به شکست معترف سازند. تا چندی قبل پیش طرح مذاکره از سوی دولت با "طالبان" همواره از يك موضع قوی مطرح می شد و "طالبان" به ترك جنگ و بازگشت به خانه و کشورشان دعوت می شدند و خبری از سهم دهی آنان در قدرت نبود، اما حالا دولت اعلان می کند اگر "طالبان" قانون اساسی کشور را بپذیرند در هر سطح پذیرفته می شوند، دیگران پیروزی نظامی علیه "طالبان" خبری نیست، در حالیکه "طالبان" جز پیروزی به هیچ چیز دیگر قناعت ندارند.

دزیراون، وزیر دفاع انگلستان با اشاره به نفوذ باورهای اسلامی در میان مردم ما، ابراز عقیده کرده است که نمی توان تفکرات "طالبان" را در این کشور، نادیده گرفت. تا دیروز اگر حرف از پذیرش "طالبان" بهمیان می آمد مسأله پذیرش "طالبان" محلی مطرح بود نه تفکرات و اندیشه "طالبان"ی. در آن وقت در فلسفه و منطق سیاسی معاصر، اندیشه طالبی مردود شمرده می شد اما امروز وزیردفاع انگلیس اعتراف میکند که نمی شود با اندیشه و تفکرات "طالبان" در افغانستان مبارزه کرد و یا تفکرات "طالبان" را نادیده گرفت. براون در کنفرانس سالانه حزب حاکم بریتانیا (حزب کارگر)، گفته است بعید به نظر می رسد که اندیشه "طالبان" در افغانستان، پدیده ای گذرا باشد. بدین معنی که دیگر شعار میان تهی و دروغین دموکراسی در افغانستان جای ندارد و آنچه اهمیت دارد تفکرات سنتی "طالبان" است.

به همین ترتیب نمایندگی سیاسی سازمان ملل متحد در کابل با تأکید بر این موضوع که باید از راه های سیاسی و مسالمت آمیز بحران جاری در افغانستان را حل کرد، عملاً به جمع نهادهایی پیوسته است که برای نخستین بار، در تلاش فراهم کردن زمینه برای آغاز مذاکرات میان "طالبان" و دولت هستند. "طالبان" که طی این مدت نمادی از شرارت و خشونت در جهان پنداشته می شدند و تمام جهان بخاطر برچیدن تخم طالب از زمین متحد شده بودند امروز دوباره در محراق توجه قرار گرفته باید شامل نظام سیاسی افغانستان شوند. انگلیس و پاکستان در مورد افغانستان نظر واحد دارند، آنچه را وزیر دفاع انگلیس امروز می گوید، پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان قبلاً گفته بود. مشرف نیز گفته بود که "طالبان" ریشه در بین تعدادی از اقوام افغانستان دارند و تفکر "طالبان" با عقاید این اقوام هم آهنگ است و باید جزء از پروسه صلح افغانستان باشند. یعنی صلح و ثبات بدون حضور "طالبان" مفهوم ندارد. وزیر دفاع انگلیس هم صرف بر نظریات مشرف تأکید کرده است، در گذشته دولت افغانستان اظهارات پرویز مشرف را به شدت رد کردند اما امروز روی اظهارات وزیر دفاع انگلیس غور می کنند. اهداف پاکستان و کشورهای غربی از قبل روشن است. پاکستان می خواهد در نظام سیاسی افغانستان مهره های خود را داشته باشد و غرب هم تشنه تامین امنیت شرکت های نفتی خود در افغانستان است.

شکی نیست که نیروهای بریتانیا در افغانستان از (آی. اس. آی) الهام می گیرند و در مشوره با استخبارات پاکستان اهداف خود را دنبال می کنند. آمادگی "طالبان" برای مذاکره در هر سطح با دولت يك حرکت سیاسی و مانور آزمایی است. "طالبان" هم با این شوخی و تمسخر کوشیده اند تا توان نظامی و سیاسی دولت و متحدینش را به آزمایش بگیرند تا به جهان و مردم نشان دهند که دولت و حامیان بین المللی اش تا چه حد آماده عقب گرد در معامله با ایشان می باشند. در حالیکه رهبری "طالبان" قطعاً در جریان برنامه نیست و نام ملا محمد عمر در فهرست تحت پیگرد امریکائیان قرار دارد و به عنوان يك تروریست حساب می شود. این اعلان از لحاظ معاملات سیاسی هیچ مفهوم و تضمین عملی ندارد.

حقیقت این است که "طالبان" هرگز با نظام این چنینی شریک نمی شوند. "طالبان" نظام و حکومت مطلق می خواهند نه صلح و سازش. طالب پدیده صلح و مذاکره نیست و اگر طالب با نظام سیاسی کنونی یکجا شود دیگر مفهوم طالب بودن را از دست می دهند. طالب يك پدیده با ویژه گی های خاص خود است که بیشتر با خشونت و تخریب همراه است. هر حرکت تا رسیدن به قدرت دست به خشونت می زند و اما "طالبان" بعد از رسیدن به قدرت هم خشونت را تشدید می بخشد و ادامه می دهد. حکومتی که قبلاً تجربه شده است از قتل عام گرفته تا لت و کوب زنان و بستن معارف همه و همه در تمام عرصه ها خشونت بوده و بس، لذا طالب پدیده مذاکره و معامله نیست.



در رسانه ها از مذاکره با "طالبان"، شروط "طالبان" برای مذاکره، تکذیب مذاکره توسط سخنگویان دولت و مخالفین، امتناع "طالبان" از مذاکره و مشابه این مضمون می شنویم. اما دولت دویار ادریک رکاب نموده و میگویند که "طالبان" برادرهای ما اند و فرزندانشان کشور است و آغوش ما برایشان باز است.

اما "طالبان" دولت را دولت دست نشانده و کشور را کشور اشغال شده و جناب کرزی را وسیله ی درد ست خارجیها و برای سقوط حاکمیت روز شماری و تقاضای جدی برای بیرون شدن خارجی ها دارند و نیز لحظه ی برای کشتن، قتل، غارتگری، تاراج ثروتهای مادی و معنوی کشور و شکنجه و استبداد بر مردم ستم دیده وطن درنگ نمیکنند و این اعمال زشت و نامسلمانی را حکم شرعی میدانند.

میان فعالیت "طالبان" در افغانستان و تحرکات افراطیون مناطق قبایلی پاکستان ارتباط کاملی وجود دارد. براین اساس هر اندازه فعالیت "طالبان" در افغانستان بیشتر شود، تحرکات مناطق قبایلی نیز افزایش می یابد. شورای موسوم به سنلس که فعالیت آن در افغانستان به علت تلاش برای قانونی کردن کشت خشخاش ممنوع شد، در آخرین گزارش خود ادعا کرده است که نیروهای "طالبان" در بیشتر از نیمی از افغانستان حضور دارند.

"طالبان" در حال حاضر در ۵۴ درصد خاک افغانستان فعالیت دارد که برای مقابله با آنها باید نیروهای خارجی دو برابر شود. البته وزارت دفاع افغانستان این گزارش را تکذیب و اعلام کرد، نتیجه اعلام شده در این گزارش مبنی بر اینکه "طالبان" شهر کابل را به کنترل خود در خواهند آورد به هیچ وجه قابل اطمینان نیست. "طالبان" با هدف سرنگونی دولت و اخراج سربازان خارجی در حال مبارزه با نیروهای دولتی و سربازان خارجی است. حکومت پنج ساله "طالبان" در اواخر سال ۲۰۰۱ میلادی با هجوم نیروهای خارجی به افغانستان سقوط کرد.

دفتر شورای سنلس در پاریس قرار دارد و خواهان قانونی شدن کشت خشخاش در افغانستان است که به همین علت فعالیت این دفتر در کشور ممنوع اعلام شده است. در هر صورت گزارش این شورا نشان می دهد

که "طالبان" هر لحظه بر وسعت و دامنه تحرکات خود در افغانستان می افزاید. شورشیان مناطق قبایلی پاکستان نیز طی ماههای اخیر بر تحرکات خود برضد دولت پاکستان افزوده اند. البته دولت پاکستان نیز نسبت به این تحرکات به شدت واکنش نشان داده است. سخنگوی دولت ایالت سرحد پاکستان اخیراً اعلام نموده است که نیروهای اردو مقراصلی مولانا فضل الله رهبر معنوی "طالبان" محلی در ناحیه حساس ناجیاتاپ در سوات را تصرف کرده اند.

اردوی پاکستان بار دیگر کنترل ناحیه ناجیاتاپ در منطقه سوات و یکی از مقرهای اصلی مولانا فضل الله را بازپس گرفته و موفق شده است ایستگاه رادیویی این گروه را نیز تعطیل کند.

اردوی پاکستان اعلام کرده است که با ایجاد موانع در جاده‌ها و راه‌های مهم از انتقال مواد غذایی، سلاح و تجهیزات به مناطقی که هنوز تحت کنترل "طالبان" محلی است، جلوگیری می‌کند. منطقه کوهستانی (میان کوه) سوات به مرکزیت شهر مالاکن در ایالت سرحد که از جهت آب و هوا، نسبت به سایر شهرهای این ایالت، از جذابیت‌های بیشتری بویژه در زمینه گردشگری برخوردار است هم اکنون مرکز استقرار "طالبان" محلی شده که به دستور مولانا فضل الله رهبر معنوی خود علیه نیروهای دولتی می‌جنگند. مولانا فضل الله از شخصیت‌های متنفع منطقه و از طرفداران "طالبان"، با تاسیس یک مدرسه دینی در سوات به ترویج اصول مذهبی "طالبان" می‌پردازد. در نهایت اینکه چالش میان نیروهای دولتی پاکستان و شورشیان مناطق قبایلی همچنان ادامه دارد. در این میان ایالات متحده آمریکا نیز تنها به بسط دامنه قدرت خود می‌اندیشد.

مناطق قبیلہ نشین پاکستان تبدیل به مکانی امن برای "القاعده" و "طالبان" شده و "القاعده" در این مناطق نیروهای خود را برای انجام عملیاتهای تروریستی در کشورهای مختلف سازماندهی می‌کند و از سوی دیگر این قبایل پاکستانی با "طالبان" و "القاعده" نیز همکاری می‌کنند، به روند تنش‌های موجود میان قبایل پاکستانی و دولت توجه کنیم، زیرا نیروهای امنیتی پاکستان همواره با این قبایل درگیر بوده و فعالیت‌های نظامی قبایل پاکستانی به عنوان یکی از چالش‌های موجود در امنیت پاکستان به شمار می‌رود.

از جانب دیگر پاکستان منبع همه نگرانی‌های ایالات متحده آمریکا و دولت افغانستان بخاطر حمایت و پشتیبانی از "طالبان" بوده و طی این مدت هم به میخ کوبیده و هم به نعل، از یکطرف "طالبان" را مسلح نموده و از جانب دیگر دولت و خارجی‌ها را فریب داده است. اخیراً نشریه گلوبل پست چاپ ایالات متحده آمریکا درین مورد می‌نویسد: در شهر بندری و هجده میلیونی کراچی نه تنها خشونت بیداد می‌کند، بلکه تعداد رهبران "القاعده" هم نسبت به وزیرستان درین شهر بیشتر می‌باشد. شرارت، قتل و کشتار تنها به شهر کراچی محدود نمی‌شود. اما کراچی در جنگ ایالات متحده آمریکا در افغانستان بسیار اساسی و مهم

می باشد. زیرا هشتاد فیصد تجهیزات نظامی از طریق بندر کراچی و از آن جا به دره خیبر و افغانستان انتقال می یابد. بدیل یا جانشینی برای این مسیر هم وجود ندارد. به این معنی که انتقال نفت به ارزش یک صد دالرامریکایی از طریق آسیای میانه، یک هزار دالر امریکایی تمام می شود.

گلوبل پست میافزاید، اوضاع امنیتی در تمام شهرهای پاکستان خراب است و نسبت به گذشته هزار مرتبه بد تر شده است. در اسلام آباد پایتخت پاکستان، شنیدن صدای انفجار، مشاهده سیم های خادار، ایجاد پوسته های امنیتی و تبدیل شدن هتل ها به قلعه های بلند که توسط محافظین نگهداری می شوند، به شهر بغداد شباهت دارد. همزمان خدمات ملکی که زمانی موثر و کارا بود در هر ایالت این کشور رو به خرابی گذاشته است. خلاصه که پاکستان در قرض غرق شده وزیر بناها روبه زوال است. بعد از فرمانروایی دراز مدت توسط نظامیان، حکومت انتخابی ملکی بار دیگر بر سر قدرت است، اما آن طوری که بارها دیده شده، این حکومت فاسد و بی کفایت می باشد. رئیس جمهور پاکستان آصف علی زرداری که بعد از قتل خانمش، اتفاقاً در موج احساسات به حیث رئیس جمهور انتخاب شد ضعیف و ناتوان است و توسط یک تعداد از دوستان و هم اطاقی های دوره زدنانش احاطه گردیده است.

صدراعظم او یوسف رضا گیلانی هم بهتر از وی نمی باشد. نشریه گلوبل پست در ادامه مقاله می نویسد، هیلاری کلنتن وزیر خارجه ایالات متحده امریکا، پاکستان دارای سیستم نیمه فیودالی را، مورد انتقاد داده و می گوید، ثروت مندان و زمین داران بزرگ پاکستان باید مالیه و محصول شان را بپردازند و نباید که بالای مالیه دهندگان امریکا متکی باشند. از زمان استقلال به بعد، اردو - اداره بیش از نصف این مدت را در دست داشته و سیاست خارجی این کشور را نیز کنترل کرده است. در عین زمان، شورشیان اسلامی که زمانی فکر می شد به ایالت شمال غرب پاکستان محدود می باشد، اکنون در تمام شهر ها گسترش یافته اند. چنانچه کمپاین خشونت و بدم گذاری به علت انتقام داخل شدن اردو به وزیرستان جنوبی، از ایالت شمال غرب به لاهور و اسلام آباد توسعه یافته است. حاصل جمع همه تشویش ها و نگرانی های امریکایی ها اینست که مبادا کنترل سلاح اتمی پاکستان هم چنانی که در ویکی لیکس به آن اشاره شده است به دست تندروان اسلامی بیافتد. بناً هیچ جای شک نیست که تهدید تندروان اسلامی در پاکستان در حال افزایش می باشد.

حامد کرزی می گوید، اسناد افشا شده محرمانه دیپلماتیک ایالات متحده امریکا توسط ویکی لیکس در مورد افغانستان و پاکستان روابط این دو کشور را نزدیک تر ساخته است.

کرزی در یک کنفرانس خبری اسناد افشا شده از سوی ویکی لیکس را رد کرد. وی هم چنین گفت، جاسوسان خارجی تلاش می کنند که هر دو کشور را بی ثبات سازند، اما به گفته او، ویکی لیکس هر نیت

که داشت در روابط میان افغانستان و پاکستان کمک کرده است و بنابر این افشای اسناد توسط ویکی لیکس برای این دو کشور مفید واقع شده است. کرزی که در این اواخر از تکتیک های کشورهای غربی در مبارزه علیه "طالبان" انتقاد کرده، هم چنین گفت که روابط محکم با اسلام آباد دارد. وی گفت، اطمینان می دهد که میان دو کشور بی اعتمادی وجود ندارد. این درحالیست که روابط میان دو کشور بارها با اتهامات برسرارتباط میان ادارهء استخبارات پاکستان و "طالبان" و حضور تندروان پاکستانی در افغانستان متشنج شده است. کرزی گفت، تلاش های قوای بین المللی در افغانستان مانند سال های اول موفق نیست. وی که همواره پاکستان را به مداخله در امور افغانستان متهم می کرد، گفت: ملت افغانستان دست رابا جهان یکی کرد حکومت طالب ها و "القاعده" را از افغانستان راندند و افغانستان دوباره به یک روند عادی زنده گی برگشت. ولی به تعقیب آن حملات تروریستی در افغانستان زیاد شد. درعین حال دیدیم که پاکستان هم مورد حملات شدید تروریزم قرار گرفت. این ما را به این وادار کرد تا ما دیدگاه خود را تجدید دوباره کنیم و تحلیل کنیم که چه می گذرد. این کارهای که می شود همیشه از پاکستان به طرف افغانستان می آید یا ویا یک دسیسه بزرگ تر در کار است که هم افغانستان را بی ثبات می سازد و هم پاکستان را. قوای بین المللی نتوانست که مراکز آموزش و تمویل تروریستان را از بین ببرد و طبق میل مردم افغانستان در برقراری امنیت نیز موفق نبوده اند. در حال حاضر حدود یکصدوپنجاه هزار سرباز خارجی به رهبری ناتو در افغانستان مصروف مبارزه با "طالبان" و "القاعده" هستند. در این جنگ ده ساله، سال جاری خونبار ترین سال برای قوای بین المللی در افغانستان خوانده شده که در آن بیش از ششصدوپنجاه سرباز این قوا کشته شده است.



جناب رئیس جمهور قبلآدر کنفرانسی خبری گفته بود: نیروهای اردوی ملی از این پس در صورت لزوم برای مبارزه با نیروهای "طالبان" وارد خاک پاکستان خواهند شد. وی با اشاره به حق دفاع مشروع اضافه کرد، نیروهای آشوبگرا از مناطق مرزی پاکستان وارد کشور ما می شوند تا نیروهای افغان و

نیروهای بین‌المللی راه‌هدف قرار دهند. این درست به منزله اعطای حق دفاع مشروع به ماست و ما نیز اجازه داریم به اعمال مشابه دست بزنیم. کُرزی که شخصیتی آرام دارد طی کنفرانس خبری در حالی که برافروخته شده بود محسود، رهبر نیروهای "طالبان" در شمال پاکستان را تهدید کرد که در خانه‌اش هدف حملات نیروهای افغانی قرار خواهد داد. او با تکرار تهدیدهای گفت، انتقام تمام آن چه که "طالبان" طی این سال‌ها بر سر افغانستان آورده است از آن‌ها خواهیم گرفت.

کُرزی پیش‌تر نیز از دولت پاکستان و مجامع جهانی خواسته بود که با نیروهای "طالبان" مستقر در مناطق مرزی پاکستان مقابله کنند اما در پی حوادثی داخلی که به نظرمی‌رسد دولت پاکستان را دچار بی‌ثباتی سیاسی بیشتر می‌کند و در نتیجه، در بهترین حالت، آن را در موضع انفعالی‌تری در برابر فعالیت‌های درون و بیرون مرزی "طالبان" در شمال این کشور قرار می‌دهد، ظاهراً کاسه صبر کُرزی نیز لبریز شده و در اقدامی بی‌سابقه پاکستان را به نقض حریم مرزی تهدید کرده است.

درین اواخر مآشاهد ملاقاتها و روابط‌های پنهانی بین کابل و "طالبان" و خارجیها بودیم که سرانجام این همه هیاهوی و تبلیغات کرکننده بایک بازی پاکستان و "طالبان"، سردست همه آب یخ ریخت و مذاکره‌کننده گان بعد از . . . چهار زانو نشستن و از روی مجبوری و ناگزیری منکرچنین ملاقات و مذاکره شدند. بعد ازین رسوایی هرکس برف بام خویش را کوشش مینماید بر بام دیگران بی اندازند. درین مورد رسانه‌های غربی دست و پا چه شده و حق و ناحق تاخت و تاز و پروپاگند راسیل اسا به خورد خواننده گانش میدهد.

روزنامه واشنگتن پست چاپ امریکا در یکی از شماره اخیر خود زیر عنوان بریتانیوی ها مسوول آوردن شخص جعلی به قصر ریاست جمهوری برای مذاکره می باشند، مقامات بریتانیوی در ماه جولای یا ماه آگست، شخصی را بنام ملا اختر محمد منصور بحیث رهبر "طالبان" به قصر ریاست جمهوری آوردند تا با حامد کُرزی رییس جمهور افغانستان ملاقات نماید. اما یک افغان که او نیز درین ملاقات حضور داشت، دانست که او منصور حقیقی نیست. مقامات استخباراتی افغان بعداً معلوم کردند که این شخص یک دکاندار از شهر کویت پاکستان می باشد. روزنامه به نقل از عمر داود زی رییس دفتر کُرزی می نویسد: این نشان می دهد که روند مذاکره بسیار حساس است و باید افغانها آن را رهبری کنند، زیرا افغان‌ها این حرفه یا کار و کسب را بهتر می دانند.

ما این موضوع را با دقت، با برخورد که منتج به نتیجه شود و با کمترین صدمه به سایر روند انجام می دهیم. واشنگتن پست در ادامه می نویسد، داود زی می گوید، مقامات افغان شش یا هشت ماه پیش برای بار نخست با شخصی که مدعی بود نماینده منصور است تماس برقرار کردند. این شخص حاضر بود مذاکره با منصور را ترتیب بدهد و گفت منصور می خواهد ضرب الاجل برای خروج نیروهای خارجی

تعیین و قانون اساسی افغانستان تغییر کند. اما قصر ریاست جمهوری نه پذیرفت با نماینده منصور ملاقات کند زیرا هویت این شخص معلوم نبود. بگفته داود زی، بریتانیوی ها بعداً ازین تماس استفاده نمودند و منصور را بکابل آوردند. در جریان ملاقات منصور با حامد کرزی، نماینده گان بریتانیا حضور داشتند اما نه امریکایی ها. داستان که شخص مذکور واقعاً چه کسی است و چگونه رو در رو با کرزی در قصر ریاست جمهوری نشست، موضوع است که چون و چرا و بحث های زیادی را ایجاب می نماید.

روزنامه دیگر امریکای - لاس انجلس تایمز زیر عنوان مذاکره یگانه راه در افغانستان است، می نویسد، در اجلاس لیزبن، ناتو موافقه نمود تا مسوولیت تامین امنیت در سال دوهزار و چهارده میلادی به نیروهای افغان سپرده شود. اما در همان سالون یک فیلی وجود داشت که هیچ کس از وی نام نبرد، مذاکره با "طالبان". رهبران ناتو راجع به ختم جنگ صحبت کردند، اما هیچ کس راجع به این که جنگ چگونه خاتمه پیدا کند چیزی ارایه نکردند. یک راه از طریق شکست "طالبان" است. اما امکان دیگری برای آوردن صلح نیز وجود دارد و آن مذاکره با "طالبان" است. درین نقطه، میان افغانستان و ایالات متحده امریکا یک چیزی یچیده وجود دارد. حامد کرزی اصرار می ورزد که تنها مذاکره با "طالبان" می تواند خاتمه جنگ باشد. درحالی که جنرال دیوید پترویس قوماندان نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان، راجع به مذاکره شک دارد و می گوید، "طالبان" در مرحله نخست باید از لحاظ نظامی بکلی ضعیف و منکوب شوند.

اما چهار رهبر سابق "طالبان" در یک مصاحبه جداگانه گفته اند، مذاکرات جدی ممکن است ولی مشروط بر این که رهبران طالب قادر باشند از یک محل یا یک کشوری طرف فعالیت کنند. به نظر آنها افغانستان تحت اشغال امریکا قرار دارد و "طالبان" تحت انحصار اداره استخبارات پاکستان. اکثر روزنامه های غربی باز هم در شماره های اخیر خود در مورد صحبت های مقامات حکومت افغانستان با یک رهبر جعلی "طالبان" که قبل از افشا شدن هویت اصلی اش مقدار زیاد پول را هم از خارجیان و حکومت افغانستان بدست آورده است، مطالبی به نشر رسانده اند.

روزنامه کرسنتین ساینس مانتور می نویسد که با افشای هویت شخص که خود را یکی از رهبران درجه دوم "طالبان" ملا اختر محمد منصور معرفی کرده بود، شیشه امید مردم به صلح به سنگ خورده و فضای سیاسی افغانستان را یک نوع مایوسی فرا گرفته است. به نوشته روزنامه، حتی خود رییس جمهور کرزی که همیشه در باره مصالحه با مخالفین صحبت می کرد، در چند روز اخیر تمام توجه خود را به مجلس سران کشورهای ناتو درلزن و توافق که با این پیمان امضا کرده، سوق داده است. روزنامه کرسنتین ساینس مانتور اضافه می کند، افشا شدن هویت اصلی شخصی که خود را ملا منصور

معرفی کرده بود، اعتماد مردم را بر شورای عالی صلح نیز کاهش داده است. روزنامه می افزاید، این عمل در دراز مدت به پروسه مصالحه و آشتی ملی در افغانستان ضربه وارد خواهد کرد، ولی در کوتاه مدت هم بطور مثال در چند روز گذشته شوق و هیجان در مورد صلح را سرد ساخته است.

روزنامه واشنگتن تایمز توجه را به یک موضوع دیگر مربوط به افغانستان جلب نموده در یکی از شماره اخیر خود می نویسد، سیاست جنگی امریکا در افغانستان گمراهی ایجاد کرده است.

به نوشته روزنامه، قبل از انتخابات برای پر کردن چوکی های خالی کانگرس امریکا در ماه نومبر، همه به این فکر بودند که خروج قوای امریکا از افغانستان در نیمه سال دوهزاروپانزده میلادی آغاز می شود. اما اکنون در باره این صحبت می شود که مسوولیت های امنیتی افغانستان در سال دوهزاروپانزده میلادی به قوای داخلی محول خواهد شد. ولی این هم معلوم نیست که بعد از سال دوهزاروپانزده میلادی چه تعداد عساکر امریکایی در افغانستان باقی خواهند ماند. این نوع بحث ها در بین مردم امریکا سر درگمی ایجاد کرده است که دلیل آن کمبود منابع در جنگ و نارسایی ها در استراتژی امریکا در مورد افغانستان می باشد. تا خالیگاه ها در این موارد پر نشوند، باز هم معلوم نخواهد شد که چه وقت عساکر امریکایی خواهند توانست که افغانستان را ترک کنند و یا در مورد پیروزی در افغانستان صحبت نمایند.

روزنامه نیویارک تایمز در شماره های اخیر خود می نویسد. دستور بازداشت و احضار اعضای کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان و کمیسیون سمع شکایات آن از سوی لوی څارنوالی فشار را بر این ارگان های مستقل گسترده ساخته است. مقامات این دو کمیسیون می گویند که در مورد اعلان نتایج انتخابات طبق قانون اساسی تنها و تنها کمیسیون مستقل انتخابات صلاحیت دارد، اما لوی څارنوالی می گوید که در شمارش آرای انتخابات قلب و دست درازی صورت گرفته و قبل از آنکه به شکایات کاندیدان پاسخ گفته شود، کمیسیون مستقل انتخابات نتایج را اعلان کرده است.

این ماجرا بار دیگر یک بحران سیاسی را در افغانستان دامن زده است. قبلاً در انتخابات ریاست جمهوری ادعا ها و شواهد بدست آمده در مورد قلب، مدتها رییس جمهور کرزی و جامعه افغانستان را مشغول نگهداشته بود. این بار چنین امید وجود داشت که شاید حالت انتخابات ریاست جمهوری تکرار نشود، ولی به گفته تحلیلگران این بار هم قلب و دست درازی به آرای مردم به اوج خود رسید.

در انتخابات ریاست جمهوری همه در این مورد صحبت می کردند که این عمل به آبروی رییس جمهور و حکومت وی ضربه وارد خواهد کرد و این حکومت در بین مردم اعتماد نخواهد داشت، ولی این بار پای

نماینده گان مردم هم به چنین یک بی اعتمادی کشانده شده است، زیرا یک پارلمانی که اکثریت اعضای آن با تقلب و خرید رای ها به این ارگان قانون سازکشور داخل شده اند، چگونه می توان بر تصامیم و دستورات آن اعتبار کرد.

مجله اکانامیست می نویسد، اگر رییس جمهور کرزی می دانست که بعد از اشتراک در اجلاس سران ناتو به چه ما جرای های درکشورش روبرو خواهد شد، شاید مدت طولانی تری درلیرین می ماند تا شاهد ماجرا های تازه در کشور خود نباشد. درآغاز ماجرای صحبتها با یک رهبر جعلی "طالبان" هوش و فکر رییس جمهور را مخشوش ساخت، زیرا کرزی همیشه در مورد تماس با مقامات بلند "طالبان" صحبت می کرد، ولی یکی از این افراد کسی می باشد که هیچ نوع قدرتی در بین "طالبان" ندارد و شاید هم دوکانداری بیش نباشد.

از سوی دیگر بحران اعلان نتایج انتخابات دامنگیر حکومت کرزی شده است که همه را درسر دو راهی قرار داده است. مقامات عدلی افغانستان این را می دانند که اگربرنده گان فعلی انتخابات ولسی جرگه یک بار به این تالار داخل شوند و کرسی ها را اشغال کنند، درآنصورت ازمصونیت بهره مند می شوند و نمی توان برعلیه آنها اقدام کرد. ازاین رو حکومت و مخصوصاً لوی څارنوالی افغانستان تلاش دارند که قبل ازآغاز کار پارلمان اطمینان حاصل کنند که تقلب کاران و جعل کاران به این ارگان داخل نشوند.

گفتگوها با یک رهبر جعلی "طالبان" و دیدار اوبا رییس جمهور ومسالء دادن پول های گزاف، همه از سوی حکومت افغانستان آغاز شد و جنرال سنتلی مک کریستل قوماندان قبلی نیروهای ناتو وامریکایی درافغانستان هم در جریان آن قرار داشت. روزنامهء بریتانیایی گاردین می نویسد که این همه تلاش ها به خاطر پایان جنگ در افغانستان آغاز شد، حکومت افغانستان مسوولیت ناکامی آن را بردوش ادارهء استخباراتی بریتانیا می اندازد. آنان در جریان تحقیقات شان دریافتند که فردی به نام ملا اختر محمد منصورابتدا توسط یک فرد دیگر به نام قوماندان ملا امین الله به محمد حنیف اتمروزیر داخلهء سابق افغانستان، معرفی شده بود. که ملا امین الله فرد نزدیک به ملا عمررهبر "طالبان" بوده، رهبری جنگ را درولسوالی های ژیری وپنجوایی هم برعهده داشت.

ملا امین درماه جنوری امسال دستگیر و دریک قرارگاه نیروی های ناتو زندانی شد. حکومت افغانستان ازین عملکرد ناتو انتقاد کرده، گفت که این فرد "طالبان" ازچندی به این سو با وزارت داخله درارتباط بوده، باید فوراً رها شود. به باور گاردین، ملا امین الله دربدل این اقدام حکومت افغانستان، پیشنهاد کرد

که با ملا اختر محمد، دومین رهبر ارشد "طالبان" ارتباط برقرار خواهد کرد و او را در گفتگوهای صلح حکومت افغانستان شامل خواهد ساخت.

جنرال سنتلی مک کریستل، قوماندان سابق ناتو در افغانستان، این پیشنهاد را پذیرفت.

جنرال مک کریستل از اداره استخبارات انگلستان ام، آی شس، خواست تا این بخش از گفتگوهای صلح را به پیش برد وازین رو قصر سفید به اداره استخبارات مرکزی امریکا، سی، آی، ای اجازه نداد تا درین گفتگوها د خیل شود. بسیاری از ناظران سیاسی در امریکا و اروپا به این باورند که این گونه سیاست های اداره امریکا، عملیه راه حل سیاسی معضله افغانستان را با کندی رو به رو کرده است. اداره استخبارات بریتانیا از پیشبرد این ماموریت راضی بود و چنین فکرمی کرد که آن را با موفقیت به انجام خواهد رساند. به طوری که حتی در مورد به تردیدهای مقام های امریکایی و بریتانیایی در مورد هویت ملا منصور هم توجه نکرد.

وقتی که جنرال دیوید پترویس جایگزین جنرال مک کریستل شد، در ابتدا وی در مورد هویت ملا منصور تردید داشت، اما بعداً از تماس با او حمایت کرد. مایک مولن لوی درستیز امریکا گفت که از همان اول هم در مورد هویت این فرد "طالبان" شک وجود داشت، اما وقتی زیاد را دربر گرفت تا چهره اصلی او معلوم شود. سرانجام، روشن شد که این فرد جعلی بوده است. وقتی که حکومت ائتلافی در ماه می امسال در بریتانیا تشکیل شد، صدراعظم دیوید کامرون و ویلیام هیگ وزیر خارجه این کشور هر دو در مورد این فرد مربوط به "طالبان" اطلاعاتی را دریافت کرده بودند و آنان از گفتگوهای صلح در آن زمان حمایت کردند.

این رهبر جعلی "طالبان"، چندین بار با نیروهای ناتو در قندهار ملاقات کرده بود و بعداً توسط یک طیاره جنگی نیروهای بریتانیایی به کابل انتقال داده شد تا با رییس جمهور حامد کرزی و دیگر مقام های ارشد حکومت دیدار کند. رییس جمهور کرزی از بودجه شخصی اش که ایران آن را می پردازد، به این فرد جعلی پول داد، نه از پول های که از سوی ایالات متحده امریکا به حکومت افغانستان داده می شود. محمد عمر داوود زی، رییس دفتر رییس جمهور کرزی در مصاحبه اش با روزنامه امریکایی واشنگتن پست، مسوولیت این همه را بر دوش بریتانیا افکنده است.

او گفت که ازین کار چنین برمی آید که گفتگوهای صلح را باید خود افغان ها به پیش ببرند. داوود زی گفت که افغان ها کارشان را خوب بلدند. گاردین از قول یک مقام دیگر افغان نوشته است که مسوولیت این عمل را بر دوش اداره استخبارات پاکستان، آی، اس، آی افکنده است. این مقام که نامش را نگرفته، گفته

است که آی، اس، آی این فرد جعلی را به ادارهء استخبارات بریتانیا معرفی کرده بود، اما روزنامهء گاردین می نویسد که در مورد دخالت آی، اس، آی درین خصوص شواهدی را دریافت نکرده است.

همچنان جرگه صلح با حضور یکهزاروششصد افغان برگزار شد و در قطعنامه پایانی این جرگه عفو سران و آزادی زندانیان "طالبان" از جمله خواسته های جرگه بود که يك روز پس از جرگه، حامد کرزی رئیس جمهور دستور بررسی دوسیه زندانیان "طالبان" را صادر و سازمان ملل نیز بازبینی لیست سیاه این سازمان را آغاز کرد. اما حوادث قبل و بعد از جرگه مانند حمله راکتی و انتحاری به محل برگزاری جرگه و حملات انتحاری در شهرهای کابل و قندهار، شیرینی این دستاورد را به کام برگزارکنندگان تلخ کرد. حملات سنگین "طالبان" پس از جرگه صلح به خصوص در شهر قندهار، به معنای رد درخواست گفتگو و پاسخ صلح را با آتش دادن بود که این نوع پاسخ يك ناکامی برای طراحان جرگه محسوب می شود. موضع نرم جرگه صلح در برابر "طالبان" در قطعنامه پایانی به روشنی دیده می شود و با وجود این موضع نرم، واکنش منفی و تند "طالبان" شاید برای کرزی و یاران وی دور از انتظار بود. در این قطعنامه از مخالفان خواسته شده بود تا دست از کشتار مردم بردارند اما حمله انتحاری به مراسم عروسی در قندهار یکی از شدیدترین حملات "طالبان" بود که بیش از صد کشته و زخمی در پی داشت.

طی این مدت سازمان استخباراتی افغانستان و دیگر نهادهای مسوول همواره بر نقش یا سازمان اطلاعات پاکستان در حملات "طالبان" در کشور تاکید دارند که از آن جمله حمله به جرگه صلح، حمله مرگبار به سفارت هند و حمله به مراسم سالروز استقلال افغانستان در کابل بود.

درین گیرودار فاکولته اقتصاد و علوم سیاسی لندن گزارشی را منتشر کرد که براساس آن سازمان اطلاعات پاکستان در ابعادی گسترده، بیش از آن چه تصور می شود، در آموزش، تامین مالی و ایجاد مناطق امن، به "طالبان" کمک می کند. برای تهیه این گزارش با نو نفر از فرماندهان "طالبان" مصاحبه شده و این فرماندهان تایید کرده اند که نمایندگان آی اس آی حتی در جلسات شورای عالی "طالبان" شرکت می کنند. گرچه این ادعا که آی اس آی از "طالبان" حمایت مالی می کند و به این گروه آموزش نظامی می دهد ادعای جدیدی نیست اما انتشار این گزارش توسط يك موسسه غربی آن هم از کشور انگلیس بی سابقه است. انتشار این گزارش توسط يك موسسه معتبر انگلیسی و پوشش خبری وسیع توسط رسانه های انگلیسی جای تامل و بررسی دارد.

تلاش مثلث انگلیس، آی اس آی و عربستان برای حفظ "طالبان" که از سال ها پیش آغاز شده است، در کنفرانس لندن نمود ظاهری یافت و جرگه صلح گام بعدی برای این اقدام بود که با موفقیت انجام شد. می توان گفت که به رغم هدف مشترك انگلیس و آی اس آی در مورد "طالبان"، نوعی تضاد یا تفاوت

فکری بین انگلیس و آی اس آی در این زمینه وجود دارد و این گزارش برای تحت فشار قرار دادن آی اس آی منتشر شده است.

شاید بهترین دلیلی که می توان برای این مورد آورد خروج نظامیان خارجی از افغانستان است که در قطعنامه پایانی جرگه صلح خروج نیروهای خارجی قید نشده است و از شبهه نظامیان هم خواسته شده تا از پیش شرط های غیر عملی اجتناب کنند. به نظر می رسد که شرایط ایجاد شده مانند موافقت جرگه برای صلح با "طالبان" و قید نکردن خروج نظامیان خارجی از افغانستان در قطعنامه، کاملاً مطلوب انگلیس است اما این شرایط برای آی اس آی مطلوب نیست و به همین دلیل اجازه رفتن به سمت مذاکره و مصالحه را به "طالبان" نمی دهد. حضور نیروهای خارجی در افغانستان برای پاکستان نیز ناخوشایند است و این کشور این نیروها را به عنوان تهدیدی برای استقلال و تمامیت ارضی خود می پندارد. در حال حاضر که "طالبان" در موضع قدرت قرار دارند، پاکستان این امکان را دارد تا شرط خروج نیروهای خارجی از افغانستان را مطرح و در کنار آن توسط این گروه فعالیت دشمن درجه یک خود هند را کنترل کند. به نظر می رسد که این تفاوت دستاورد، بین انگلیس و آی اس آی که نمود آن حملات گسترده اخیر در افغانستان و مخالفت با جرگه باشد، انگلیس را بر آن داشته است تا با انتشار این گزارش آی اس آی را تحت فشار قرار دهد.

به احتمال زیاد ارتباطی بین حملات اخیر "طالبان"، استعفای دومقام امنیتی افغانستان و انتشار گزارش مدرسه اقتصاد لندن وجود دارد که گذشت زمان ارتباط بین آنها را آشکار خواهد ساخت. به دنبال انتشار این گزارش، جنرال اطهر عباس سخنگوی اردوی پاکستان اعلام کرد: این بخشی از فعالیت های مغرضانه علیه اردو و سازمان اطلاعاتی این کشور است.

وی ضمن بی پایه و اساس خواندن این گزارش، تصریح کرد، فداکاری های اردوی پاکستان و سازمان اطلاعاتی این کشور در مبارزه با تروریسم گویای واقعیت هاست. وی می گوید، این کشور از قربانیان اصلی تروریسم است و برای مبارزه با شورش ها، هزاران نفر از سربازان خود را در مناطق مرزی با افغانستان مستقر کرده و در این راه صدمات فراوانی دیده است. اطهر عباس تأکید کرد، ما در خصوص اعتبار این گزارش تردید داریم.

یادآوری - بهره از منابع خبری و تصویرها جنبه تزئینی دارند.

www.esalat.org